

سفرنامه

نگارش

سلطان احمد میرزا بن الدوله دولتشاهی تهرانی

حاکم سنقر کلیایی

در سال ۱۲۰۱ خورشیدی

به کوشش

علی اصغر ایزدی

www.ketab.ir

سرشناسه: ایزدی، علی اصغر، ۱۳۳۲

عنوان: سنقرنامه

نام پدیدآورنده: سلطان احمد میرزا یمن الدوله دولتشاهی تهرانی - ۱۳۰۱ خورشیدی

شناسه افزوده: ایزدی علی اصغر (۱۳۳۲) مصحح و گردآورنده

مشخصات نشر: تهران ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ صفحه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۵۲۷۱ - ۱ - ۳

وضعیت فهرست نویسی: براساس اطلاعات فیبا مختصر

موضوع: تاریخ، جغرافیا و آداب و رسوم شهرستان سنقر کلیایی

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شماره کتابشناسی ملی ایران: ۳۷۸۶۶۵۷



ناشرهمکار: آرمان رشد

ناشر: انتشارات ابر و باد

نام کتاب: سنقرنامه

مؤلف: سلطان احمد میرزا یمن الدوله

مصحح: علی اصغر ایزدی ایمیل: izadi22@Gmail.com

ویراستار: الهه محبی

چاپ: اول ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ جلد

چاپخانه و صحافی: آبتوس

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

تایپ و صفحه آرایی: رویا محمد نژاد

طرح جلد: شهاب

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۵۲۷۱ - ۱ - ۳

آدرس: تهران، میدان انقلاب، بین خ دانشگاه و خیابان ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲،

ساختمان فروردین طبقه ۱۰ تلفن: ۶۶۴۸۶۰۱۳

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۵	ارزش های این کتاب.....
۲۳	سنقر و کلیایی.....
۲۷	قصبه ی سنقر.....
۳۹	لبنیات.....
۴۰	آب و میوه جات سنقر.....
۴۱	مردم سنقر.....
۴۷	زبان و دین.....
۴۹	طول کوچه های سنقر.....
۴۹	رسومات مذهبی.....
۵۹	طایفه و منطقه ی کلیایی.....
۶۲	راه ها.....
۷۵	رودخانه.....
۷۶	خانوار و جمعیت.....
۷۷	معادن.....
۷۸	مومیایی.....
۷۹	[محصولات] سنقر و کلیایی.....
۸۱	مالیات سنقر.....
۸۲	ذبایح.....
۸۵	محصول گندم و جو.....
۸۷	وسعت خاک سنقر و کلیایی.....

۹۰		اوضاع صحتی ناحیتی
۹۳		[سوخت و آب و هوا]
۹۸		[بیماری‌های دامی]
۱۰۲		پارهای از رسومات و عادات
۱۳۰		پُست نظامی سنقر و کلیایی
۱۳۲		راه محمّره
		در ذکر توجه شهریار عالی‌مقدار امیر تیمور گورگانی به جانب
۱۳۳		فارس و عراق
۱۳۹		نام‌ها
۱۶۷		واژه‌نامه

پیشگفتار

نود و دو سال پیش، حاکم سنقر کلیایی، سلطان احمد میرزا یمنی دولتشاهی تهرانی، در پاسخ به تلگراف شماره ۸۸۱۱ وزارت داخله (وزارت کشور) گزارشی را در مورد منطقه‌ی حکومتی خود سنقر تهیه کرده و برای وزارت متبوع ارسال می‌دارد و آن را «سنقرنامه» می‌نامد. همان‌گونه که در پایان گزارش آمده است در سال ۱۳۴۴ قمری مطابق با ۱۳۰۱ خورشیدی، این گزارش در سه جلد و به خط میرزا علی حسین نظام‌الذاکرین، از خوشنویسان آن روزگار، نوشته شده که دو نسخه‌ی آن به تهران ارسال شده و یک جلد در سنقر باقی مانده است.

از نسخه‌ی سوم، که در سنقر باقی مانده، هم‌اکنون اثری در دست نیست. اما بعدها در نوزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۴۷ شخصی به نام نورالله مقیمی سنقری، که در آن زمان، ناظم (معاون) دبستان تازه تأسیس سنقر هم بوده است، از روی نسخه‌ی اصلی، نسخه‌ی دیگری را با شراکت و

همراهی مرحوم میرزا اسدالله بابایی می‌نویسد و در قسمت‌هایی از این گزارش، مطالبی را نیز از خود بدان می‌افزاید و برای اینکه قسمت‌های افزوده با گزارش اصلی در هم نیامیزد، ملحقات خود را با علامت «ن م» مشخص کرده است.

سلطان احمد میرزا یمنی در گزارش خود در مورد شهر سنقر، که در آن زمان قصبه‌ای بیش نبوده است و منطقه‌ی کلیایی، مطالب ارزشمندی را بیان داشته که آگاهی از آن‌ها نه تنها برای نسل جدید این منطقه، بلکه برای هر پژوهشگری بسیار ارزنده است.

در این کتاب موقعیت جغرافیایی سنقر و ایل کلیایی و اهمیت تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این منطقه، آداب و رسوم، فکر و فرهنگ، شخصیت‌ها، محله‌ها، و حتّا آمار و ارقام جالب و درخور توجهی، گاه به اختصار و گاه به‌طور کامل و مشروح، بیان شده است. در این گزارش از طایفه‌ها و افرادی نام برده شده که از بیشتر آن‌ها، اثری باقی‌نمانده و حتّا فرزندان و خویشاوندان این افراد و طایفه‌ها نیز امروزه اطلاع درستی از اجداد خود ندارند و یا آن‌ها را به فراموشی سپرده‌اند.

این کتاب اگرچه می‌توانست در آن زمان، مطالبی بیش از این را بیان کند، اما هرآنچه در آن آمده، تازگی خاصی برای خوانندگان خود دارد که دانستن آن‌ها برای نسل امروز این منطقه جالب است. نویسنده حتّا به بیماری‌هایی که گاه‌وبی‌گاه در این منطقه شایع می‌شده و مردم و حیوانات اهلی را دچار مشکلات می‌کرده بی‌توجه نبوده است. در برخی موارد به شرحی چنان دقیق و موشکافانه از این بیماری‌ها پرداخته که گویی خود از تخصصی بالا در آن زمینه برخوردار بوده است.

به‌هرحال خواندن این کتاب برای آشنایی با فرهنگ و آگاهی از جغرافیا و مردم‌شناسی این منطقه از ایران بزرگ، درخور توجه و قابل اهمیت است. لازم می‌دانم که به مطالبی چند درباره‌ی این کتاب اشاره کنم که آگاهی از آن‌ها ضروری است.

۱. نظر به اینکه این کتاب نود و دو سال پیش، در سال ۱۳۰۱ خورشیدی نوشته شده است، نشر آن کاملاً قدیمی و متعلق به آن زمان است، شیرینی خاصی در زبان نوشته مشاهده می‌شود که خواننده را به مطالعه‌ی آن وا می‌دارد.

۲. اگرچه موضوع این کتاب شهر سنقر و اطلاعات مربوط به آن است، اما در مواردی، بدون هیچ ضرورتی، مطالبی را درباره‌ی سایر مکان‌ها و شهرها به شرح و تفصیل بیان می‌کند که هرچند جالب توجه است اما ربطی به موضوع اصلی متن ندارد. مثلاً وقتی که در باره‌ی بقعه‌ی مالک می‌نویسد، پس از چندین سطر آن را رها کرده و به مطلب دیگری می‌پردازد و کمی بعد، دوباره به موضوع بقعه‌ی مالک برمی‌گردد و درباره‌ی اشیا و سنگ‌های قیمتی آن سخن می‌گوید. و یا زمانی که در مورد کتابخانه توضیح می‌دهد به تفصیل به توضیح درباره‌ی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی می‌پردازد.

۳. در این گزارش، کاربرد حروف اضافه در همه‌جا به‌صورت متصل به‌کار رفته که اصلاح شده است. گاهی هم حروف اضافه را به جای یکدیگر به‌کار برده است، مثلاً «از» به جای «در»، مانند: «بنفشه از این ناحیه کم است.» همچنین به جای حرف ربط «و» از «که» استفاده شده است، در حالی‌که امروزه حرف «که» حرف پیوند وابسته‌ساز است و حرف «و» حرف پیوند همپایه‌ساز محسوب

می‌شود. در موارد بسیاری نیز اصلاً حرف اضافه به کار نبرده که در متن اصلاح شده است. از کسره‌ی اضافه به شکل «ی» به فراوانی در متن آمده است که از ویژگی‌های سبکی نویسنده است مانند: «ملکی مرحوم امام قلی میرزا عمادالدوله». همچنین عدم تطابق فعلی چه از جهت زمان و چه از جهت شخص بسیار دیده می‌شود. همچنین جمع بستن جمع‌های مکسر عربی مانند «ولاده‌ها» و «اشعارها» را به علت ویژگی سبکی نویسنده تغییر نداده‌ام.

۴. در برخی از موارد، در ارکان جمله، جابجایی وجود دارد که به همان صورت باقی ماند، زیرا در صورت اصلاح، سبک و شیوه‌ی نویسنده از بین می‌رفت. مثلاً در صفحه‌ی ۲۳ چنین می‌خوانیم «پس از سی و دو سال مراجعت به وطن خود - که از کلیایی باشد - کرده‌اند.» و یا در جای دیگر متهم جمله را پس از فعل به کار گرفته که معمولاً در نثر قدیم مرسوم بوده است. مثل «چند قنات بزرگ نامی هست در کلیایی».

۵. ضمیر شخصی «او» را برای غیر انسان نیز به کار برده است. چنین مواردی در شعر و نثر قدیم کاربرد داشته و نویسنده‌ی سنقرنامه نیز برطبق همان روش عمل کرده است و ضمیر «او» را برای غیر انسان مانند چشمه به کار برده است.

۶. در این کتاب حذف فعل بدون قرینه و عدم تطابق فعل چه از جهت زمان و چه از جهت شخص، به فراوانی دیده می‌شد که اصلاح گردید. گاه دو رکن فعل مرکب از همدیگر جدا شده و یک قسمت آن در ابتدا و قسمت دیگر در پایان آمده است. مانند: «سارقین محلی، بنای سرقت خانه‌ها و دکان‌ها را نهاده‌اند.» یا در جای دیگر

«پس از سی و دو سال مراجعت به وطن خود - که از کلیایی باشد - کرده‌اند.» گاهی نیز از فعل‌های مهجور استفاده شده است. مانند «عسودالدوله دیلمی در آنجا بنا کرده بوده است.»

۷. حرف‌های «و» و «ولی» در این گزارش بسیار به کار رفته است که اصلاً ضرورتی ندارد، اما چون شیوه‌ی نگارشی نویسنده است به همان صورت باقی مانده و تغییری در آن نداده‌ام. مانند: «ولی گندم سنقر و کلیایی بسیار خوب است.» و در صفحه‌ی دیگری آمده است. «ولی از گون‌های کلیایی، مخصوصاً قسمت جبال قریه‌ی ورمقان، کتیرای اعلا گرفته می‌شود.»

۸. در برخی از موارد جمله معنی مشخصی ندارد و با جمله‌های قبل خود نیز بی‌ارتباط است. مثلاً در جایی از این کتاب در مورد سرمای زمستانی و ساخت خانه‌ها و پوشش دیوارها با گل سرخ و کاه سخن می‌گوید و در ادامه می‌نویسد «هوا هم بسیار دارد.» که مفهوم خاصی ندارد، شاید هم به مفهوم هوای تمیز است. گاهی نیز شاهد مثال‌های خود را برای شرح و توضیح موضوعی، از مناطق دیگر کشور نقل می‌کند؛ مانند «بازی برفی که در ولایت تربت جام خراسان مرسوم است.»

۹. واژه‌ی «صفحه» را به جای سرزمین، شهر، منطقه و یا خطه به کار برده؛ مثلاً در بیشتر مواردی که می‌نویسد «در این صفحه . . .» منظور از صفحه، شهر سنقر است. و یا مکانی که در مورد آن سخن می‌گوید.

۱۰. در همه‌ی متن گاهی غلط‌های املائی و گاهی رسم‌الخط واژگان به صورت قدیمی مشاهده می‌شود که همه‌ی آن‌ها اصلاح شده است که از آن جمله می‌توان به واژگان زیر اشاره کرد.

حُطَل ← هتل / نفط ← نفت / جامه‌های ← جامه‌های / روغن چراق ← روغن چراغ / طهران ← تهران / خورده مالک ← خرده مالک / موضوع مهم حیوانی ← موضوع مهم حیاتی / واقع ← واقعه / نهار ← ناهار / اطلاق ← اتاق / رَس ← رأس / غاشیه‌دار ← حاشیه‌دار / ازاه ← ازاره / تلثیم ← تعظیم.

۱۱. گاهی نیز به جای اسم مفرد، از جمع مکسر آن اسم استفاده شده که اصلاح گردیده مانند:

«شکر با دارچین بسیار مصارف دارد.» که «مصارف» را به جای «مصرف» به کار برده است و برخی از صیغه‌های جمع مکسر عربی مانند «فعالین» و «افعال» را برای جمع واژه‌های فارسی به کار برده است که هم‌اکنون مرسوم نیست مانند گردد ◀ اکراد / آر ← الوار.

۱۲. «ن» نفی در برخی از موارد به ابتدای قسمت صرفی فعل متصل شده که امروزه معمول نیست که اصلاح شده مانند: «در سنقر هنوز مسلخی معین نساخته شده.» به جای «ساخته نشده»

۱۳. قیدهای دستوری را مانند سبک نگارشی قدیم پس از پایان جمله آورده، گاهی برای یک جمله از دو قید استفاده کرده و گاهی قیدهای وابسته به مسند را در ابتدای جمله آورده است. مانند: «توتون گردی می‌کارند ولی خیلی کم.» به جای «توتون گردی خیلی کم می‌کارند.» یا «خیلی رنگ او سیاه است.» به جای «رنگ

او خیلی سیاه است.» یا «اکثرش همه علی‌اللهی هستند.» به جای «همه علی‌اللهی هستند.»

گاهی نیز جمله را به گونه‌ای نوشته است که بین ترکیب وصفی و یا وجود قید، تردید ایجاد می‌شود. مانند: «موج^۱ خوب هم عمل می‌آورند.» که امکان دارد «خوب» قید باشد و جمله به صورت زیر در آید: «موج را هم خوب عمل می‌آورند.»

۱۴. در همه جا به جای «ت» از نای تأنیث «ة» که مخصوص رسم الخط عربی است استفاده کرده که اصلاح شده‌اند. مانند: قیمة ← قیمت / علت ← علت.

۱۵. در برخی از موارد مشاهده می‌شود که در مورد مطلبی سخن می‌گویند و هنوز آن مطلب تمام نشده و خواننده منتظر ادامه‌ی همان موضوع است، به موضوع دیگری می‌پردازد که هیچ ربطی به موضوع قبلی ندارد. مثلاً در جایی از جراحی سخن می‌گویند و ناگهان به موضوع سوخت و زغال می‌پردازد و دوباره به موضوع اول برمی‌گردد. یا گاهی که از آداب و رسوم منطقه سخن می‌گویند، آن را رها کرده، آداب و رسوم مناطق دیگری را به عنوان شاهد مثال شرح می‌دهد.

۱۶. مطابقت ماه‌های رومی و خورشیدی در متن اصلی وجود ندارد، و افزوده‌ی این جانب است به همین علت با قلاب مشخص شده‌اند. در سراسر متن کلمات یا عباراتی که ضمن تصحیح به متن افزوده شده در قلاب قرار گرفته‌اند.

۱. موج: نوعی بافتنی که از هنرهای دستی محسوب می‌شود.

۱۷. نویسنده در ابتدای کتاب اشاره می‌کند که سنقر به چهار محله تقسیم می‌شود: محله‌ی هادره و پیره‌سوند، محله‌ی پیره و زیوه، محله‌ی سرچقا، محله‌ی چهار بلاغی؛ و هیچ اشاره‌ای به محله‌ی امامزاده نمی‌کند و آن را جزئی از محله‌ی پیره و زیوه به حساب می‌آورد. همچنین محله‌ی پیره‌سوند و هادره را نیز یکی محسوب کرده است و شاید در آن روزها همین گونه بوده است. اما مهم‌تر اینکه نویسنده، در صفحات بعد از طایفه‌ها و خانواده‌های مهم و معروف محلّات نام می‌برد و توضیح می‌دهد که همه از محلات پیره و زیوه و هادره و پیره‌سوند هستند و هیچ اشاره‌ای به خانواده‌های بزرگ محله‌های سرچقا و چهاربلاغی ندارد.

۱۸. نویسنده‌ی سنقرنامه در پایان قسمت اول کتاب، جدولی را ارائه داده که در آن، تعداد محله‌ها، خانه‌ها، جمعیت هر محله، مزارع، پیشوایان و علمای سنقر را نشان داده است. در این جدول باید قسمت میانی آن، یعنی مزارع و خانه و جمعیت جدا شود، زیرا این قسمت با نام محله و جمعیت آن‌ها همخوانی ندارد و احتمالاً آنچه که به‌عنوان خانه و نفوس در این قسمت آمده، مربوط به محله‌های سنقر نیست، بلکه مربوط به مزارع و قلعه‌های اطراف است.

۱۹. در برخی از صفحات سنقرنامه، مشاهده می‌شود که نویسنده، از خانواده‌ای تعریف و تمجید کرده است و لذا این شائبه را پیش می‌آورد که چرا باید این اندازه از برخی از خانواده‌ها تعریف و تمجید شود. به‌رحال نظر نویسنده است و این کتاب نود و دو سال پیش نوشته شده و این جانب نیز حق دخل و تصرف و تغییر آن را ندارم، اگرچه برای بنده و یا هرکس دیگری، قابل قبول نباشد. مهم این

است که ما بتوانیم قدرت تحمل عقاید دیگران را داشته باشیم و به نظر دیگران احترام بگذاریم و نقد و بررسی علمی و اخلاقی را تنها راه سلامت اجتماعی بدانیم.

۲۰. گاه مشاهده می‌شود که نام رجال سیاسی آن زمان اشتباه نوشته شده که شاید اشتباه نوشتاری از کاتبان این گزارش باشد؛ مثلاً امام‌محمد شافعی را احمد شافعی نوشته یا حسن‌علی‌خان گروسی امیرنظام را حسین‌علی نوشته که اصلاح گردیده. و یا در برخی از موارد بدون اینکه به خرافه بودن موضوعی اشاره کند به‌طور کامل به آداب و رسوم آن منطقه اشاره کرده و کاملاً آن را شرح می‌دهد. مثلاً در شرح روستای «بابا گُرگَر»، سنگ شدن اژدها و قوچ‌های سنگی که شب‌ها با هم می‌جنگند.

ارزش‌های این کتاب

اگرچه مواردی که برشمردیم جهت اطلاع و آگاهی خوانندگان بسیار ضروری است، اما شایسته است که برخی ارزش‌های کم‌نظر این کتاب را نیز بیان کنیم تا خواننده گرانقدر، تأمل بیشتری نسبت به آن‌ها داشته باشد.

۱. یکی از ویژگی‌های ارزشمند این کتاب، حضور نویسنده در متن زندگی مردم و گزارش او از آداب و رسوم و اعتقادات مردم منطقه است، مثلاً از اعتقادات مردم منطقه این بوده است که هنگام کم‌بارانی و خشکسالی، به شکل نمادین، باید به منطقه‌ای یا روستایی حمله کرده و تمام حشَم و حیوانات آن روستا را غارت

کنند تا باران نازل شود. نویسنده شخصاً در حمله‌ی زنان سنقر به رهبری «ستاره باجی» به روستای «قلعه» آن‌ها را همراهی کرده و از نزدیک، شاهد همه‌ی ماجرا بوده است.

۲. از ارزش‌های دیگر این کتاب استفاده از طنزی ظریف و زیباست که گاهی از آن به‌خوبی استفاده می‌کند. مثلاً در همانجا که «ستاره باجی» را معرفی می‌کند، می‌گوید: «من خود ناظر این میدان جنگ بودم و هر قدر خواستار صلح شدم، سردارِ سرور ستاره باجی راضی نشد.»

۳. توجه به جزئیات در شرح و توضیح چیزی یا جایی از ارزش‌های دیگر این کتاب است. مثلاً در معرفی روستای «بابا گرگر» آن‌چنان به شرح جزء جزء مکان‌ها و ویژگی‌های این روستا و بقعه‌ی سلطان جلال‌الدین و ازدهای سنگی و سوراخ نذر و نیاز و حوضچه‌ی آب گوگرد پرداخته که بازدیدکننده متوجه می‌شود که چیزی از قلم نیفتاده است.

۴. دادن اطلاعات تاریخی به خواننده از دیگر ارزش‌های کتاب است. نویسنده هرگاه در مورد موضوعات علمی یا صنعتی سخن می‌گوید، با شرح مختصری به تاریخچه‌ی آن صنعت در کشور ایران نیز اشاره می‌کند، مثلاً زمانی که به تلگراف‌خانه در سنقر می‌پردازد، اشاره کوتاهی هم به شروع فعالیت تلگراف‌خانه در ایران دارد، مثلاً «اول مخابره‌ی تلگرافی در سنه‌ی ۱۲۷۵ هجری قمری ۱۲۳۳ خورشیدی، بین عمارت سلطنتی گلستان تهران و عمارت دولتی باغ لاله‌زار شده. پس از آن به ریاست مرحوم اعتضادالسلطنه، سیم به قزوین و سلطانیه امتداد داده‌اند.» و یا در مورد اداره‌ی پست

می‌گوید: «حاج علی‌خان امین‌الدوله پستخانه‌ی ایران را مؤسس بوده است.»

۵. توجه به عقب‌ماندگی علمی و ارتباطی مردم. نویسنده در حین بیان مطالب، هرگاه که ضرورتی ایجاب کرده، به عقب‌ماندگی‌های مردم ایران و منطقه‌ی حکومتی خود اشاره می‌کند. آنجا که امور پستی سنقر را شرح می‌دهد و می‌گوید: «هفته‌ای دو روز مکاتیب پستی با قاصد پیاده - در این دوره‌ای که دیگران محمولات خود را با اتومبیل و طیارات به نقاط بعیده‌ی عالم می‌رسانند - به شهر صحنه و قروه‌ی کردستان ارسال می‌دارند.» و یا در جایی دیگر که مطلب درباره‌ی مدارس دخترانه در سنقر و تحصیل زنان است با استناد به مطالب شاردن فرانسوی در مورد مدارس اصفهان در زمان شاه سلیمان صفوی، می‌گوید: «حقیقتاً جای تأسف است که پس از دویست و شصت و شش سال هنوز در اغلب نقاط ایران مدرسه‌ی نسوان نداریم.»

۶. توجه به آمار و ارقام و اعداد، از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این کتاب است. در زندگی امروزه توجه به آمار و ارقام جایگاهی بسیار اساسی و روزافزون در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اجتماعی و سیاسی یافته است، نویسنده‌ی کتاب هم به این موضوع بی‌توجه نبوده و با دقت و ژرف‌اندیشی به بیان آمار و ارقام برای آیندگان پرداخته است. مثلاً: «تمام این محلات [سنقر] پنجاه و هفت کوچه و دو هزار و چهل و پنج درب خانه دارد.» یا «مساجد سنقر چهارده باب است ولی در هیچ‌یک بنای رفیعی و کاشی‌کاری ممتازی دیده نمی‌شود، گلدسته و مناره ندارد.» یا در جای دیگر «عده‌ی طواحین، هفده و

حمامات، هشت باب است. هر حمامی را اهل محل کمک نموده و ساخته‌اند.» یا در جای دیگری که در مورد زنان باسواد سنقر سخن می‌گوید و می‌نویسد که: «تعلیم نسوان در سنقر معمول نیست، پنج شش نفر آن‌ها قادر به قرائت قرآن و خواندن فارسی می‌باشند.» یا در زمانی که در مورد حق‌الزحمه‌ها سخن می‌گوید و می‌نویسد که: «حق روضه‌خوان و ذاکرین [در سنقر] دو قران است و حق‌القدم اطبا نیز دو قران است.» یا در مورد تخم‌مرغ، آمار جالبی از صادرات تخم‌مرغ سنقر به کرمانشاه نوشته است: «از روی دفاتر حاملان معلوم کرده‌ام، در هر ماهی، هریک از حاملان، چهل بار که در هر باری دو هزار عدد است که مدت هفت ماه در عرض سال به کرمانشاهان حمل می‌شود که اضافه از احتیاج اهالی باشد.» باید در نظر داشت که این آمار و ارقام مربوط به نود و دو سال پیش است و همه‌ی تخم‌مرغ‌ها از منازل مردم خریداری می‌شده است. و یا در صفحات دیگر: «مالیات و عوارض نقدی تمام سنقر و کلیایی دوازده هزار و پانصد و هفتاد تومان است و بدهی جنسی آن یک‌هزار و پانصد و بیست و چهار خروار که نصف آن گندم و نصف دیگر جو است.» یا مالیاتی که در آن سال‌ها برای فروش ملک و یا صادرات کله‌قند گرفته می‌شود و یا برای واردات قالی، پشم و گردو به شهر سنقر گرفته می‌شود و یا مالیاتی که برای واردات خربزه و هندوانه‌ای که به شهر سنقر وارد می‌شود، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

۷. نویسنده به دو زلزله که تا آن زمان در سنقر رخ داده اشاره می‌کند. یکی در سال ۱۲۸۸ قمری / ۱۲۴۶ خورشیدی که تلفات فراوان هفتصد نفری و خرابی زیاد به بار آورده و دیگری در تاریخ ۱۳۳۴

قمری ۱۲۹۲/ خورشیدی. آن‌گاه نویسنده استنباط می‌کند که مسقف نبودن بازارهای سنقر به سبب خرابی‌ها و تلفاتی است که از زلزله به‌وجود آمده است.

۸. شرح و بیان دقیق عوارض و بیماری‌ها و روش‌های درمان. در برخی از موارد که نویسنده به بیماری‌های حیوانات اهلی این منطقه اشاره می‌کند، به‌خوبی علت‌های آن بیماری را بیان کرده و تمام جزئیات را شرح می‌دهد و حتی روش‌های درمان‌های سنتی آن را نیز نقل می‌کند و آمار و ارقام دقیق و درستی از تلفات را بیان می‌دارد و سپس مبلغ خسارت‌های وارده را به‌خوبی و نزدیک به یقین حساب می‌کند که بسیار ارزنده است، حتّاً به خسارت روحی و انسانی این ضایعه نیز اشاره دارد. شرح مبسوط مرض طاعون گاوی و مرض گاو‌ناز از نمونه‌های خوب این موضوع است.

۹. چنان‌که از متن این نوشته‌ها برمی‌آید، نویسنده فردی آگاه، روشنفکر و فرهیخته است، برای آینده‌ی کشور آرزوهایی دارد و از خرابی شهرها و روستاها و بدبختی‌های مردم رنج می‌برد و گاهی نیز برای رفع آن‌ها برنامه‌هایی دارد. برای مثال وقتی که در مورد روستای بابا گرگر می‌نویسد و آن روستا و آب گرم آن را توصیف می‌کند، در مورد آب‌های گرم کشورهای اروپایی هم سخن می‌گوید و با شاهد مثالی که از آنجا می‌آورد آرزو دارد که روزی برسد که در ایران نیز، راه‌ها و جاده‌ها و راه‌آهن ایجاد شود تا مردم بتوانند به‌آسانی از این آب‌های گرم استفاده کنند. یا هنگامی که در مورد نجوم و رصدخانه و نصف‌النهار سخن می‌گوید، از گرهی جهان‌نمایی سخن به میان می‌آورد که از طلای مرصع و به دستور ناصرالدین

شاه و به دست میرزا علی نقی صنیع الملک زرگریاشی ساخته شده و در موزه‌ی دولتی، نگهداری می‌شود. سپس در مورد موزه و موزه‌داری مطالبی را بیان می‌کند و از دولت و مجلس می‌خواهد که قوانین ارزنده‌ای برای حفظ ااثاثیه‌ی موزه تصویب نمایند تا مردم با خرید بلیت و پرداخت قیمت آن در ایام مخصوصی، آن‌ها را بازدید کنند و با وضع قوانین، این اشیاء حفظ شود و صاحب کتابخانه و موزه‌ی ملی منظمی شویم.

۱۰. ارزش دیگری که در این کتاب بسیار چشمگیر است، نام بردن از خانواده‌هایی است که در محله‌های مختلف سنقر زندگی می‌کرده‌اند و از سرزمین‌های دیگر به این شهر کوچیده‌اند.

همین امر مرا بر آن داشت که در مورد این خانواده‌ها تحقیق کنم و بازماندگان آن‌ها را بیابم. امروزه کمتر کسی این خانواده‌ها را می‌شناسد و نامی از آن مردان و زنان و خانواده‌های بزرگ باقی نمانده است. خانواده‌های باتمانلو، نجارلو، زیوه، سلیم‌خان، شیخ‌باقر، شیخ مقیم و دیگری که در این شهر می‌زیسته‌اند و نام آن‌ها در این کتاب آمده، از خاطر همه رفته‌اند. از آنجا که این جانب نیز از سال‌ها پیش در این زمینه تحقیقاتی به‌صورت میدانی انجام داده و درباره‌ی تاریخ و جغرافیای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانواده‌های سنقری، چه بومیان منطقه و چه آنان که از کشورها و شهرهای دیگر به این شهر کوچ کرده‌اند، یادداشت‌های پراکنده‌ای داشتم مصمم‌تر شدم آن‌ها را جمع‌آوری و کامل کرده و در کتاب جداگانه‌ای به نام «سنقرنامه‌ی نوین» چاپ نمایم.

نظر به اینکه دوست دارم سنقرنامه نوین، کتابی جامع و ارزشمند و آیینی‌فکر و فرهنگ و آداب و رسوم، و معرفت شخصیت‌های دینی،

علمی، فرهنگی، هنری و ... شهر باشد، لذا از همه‌ی عزیزان و خانواده‌های بزرگوار سنقر، منطقه‌ی کلیایی و فیله‌گری خواشمندم که اگر مدارکی مستند و کتبی، یا عکس و اسلاید درباره‌ی خانواده‌های خود و دیگران، و یا اتفاقات و موضوعات اجتماعی و فرهنگی منطقه یا خانواده‌ی خود دارند، آن را جهت درج در آن کتاب به‌صورت امانت در اختیار این‌جانب قرار دهند.

در پایان لازم می‌دانم که از دوست گرانقدرم حجت‌الله دهنوی که در تمام پژوهش در مورد معنی درست لغات و اشعار و عبارات عربی یاری‌گر من بودند سپاسگزاری نمایم. و برای روح گرانقدر مرحوم مجتبی ابراهیمی که «سینقرنامه اولیه» را در اختیارم قرار دادند از خدای بزرگ طلب آمرزش کنم، همچنین از عزیزان ارجمندی که نسخه‌های دیگری را از این نوشته به‌صورت کامل یا ناقص در اختیارم قرار دادند سپاسگزار باشم.

سخن آخر اینکه در تصحیح «سینقرنامه» علاوه بر توضیحات پاورقی‌ها و پیشگفتاری که در آن، برخی از عیوب و همچنین ارزش‌های آن را برشمرده‌ام، واژه‌نامه و نام اشخاص و مکان‌ها را نیز در پایان کتاب آورده و شرح داده‌ام. صمیمانه انتظار دارم همه‌ی عزیزانی که کتاب را مطالعه کرده و متوجه اشتباهی شده‌اند آنرا از طریق ایمیل یا پیامک اطلاع دهند تا در رفع آن بکوشم. والسلام.

از خدا خواهیم توفیق ادب

علی اصغر ایزدی

تهران - دوم اردیبهشت ۱۳۹۳